

عصر اقتصاد، رسانه عصر دانش و شکوفایی

هوالرزاق

چهارشنبه، ۳ دی ۱۴۰۴

۲۴ دسامبر ۲۰۲۵

۳ رجب ۱۴۴۷

www.asre-eghtesad.com

روزنامه بین المللی اقتصادی ایران



توسعه گسترده محصولات و خانواده موتور، دستاورد چند ماه گذشته سایپا

صفحه ۶

www.asre-eghtesad.com asreeghtesad asre_eghtesad asre_eghtesaad

مسکن سازترین مسئولان تاریخ

قائم‌پناه: «میزان مسکنی که ما در یک سال تحویل مردم دادیم ۱۲ برابر میانگین ۵ سال قبل است»

تبریک عرض می‌کنیم خدمت مسئولان مسکن‌ساز عزیز! تازه این که چیزی نیست، کاش می‌گفتید میزان مسکنی که در یک سال تحویل دادید چقدر از میزان مسکنی که یک مساول در دوست، سیصد سال قبل تحویل می‌داد بیشتر است. اگر بخواهید با دوران پارتینه‌سنگی، مقایسه کنید که دیگر حرفی برای گفتن نمی‌ماند و فقط باید یک دقیقه ایستاده برای‌تان دست زد، کف و خون بالا آورد و حتی تشنج کرد!

«لولی ملول»

سال بیستم و یکم . شماره ۵۸۱۵ . صفحه ۲۰۰۰۰ تومان .

تدبیرها و تهدیدها افاقه نکرد

جهش دوباره دلار و یورو در بازار ارز تجاری

صفحه ۳

با تصمیم‌های جدید دولت چین، در سال ۲۰۲۶ میلادی شاهد خواهیم بود: طوفان قیمتی اژدهای زرد در انتظار بازار خودروهای برقی ایران

صفحه ۵

مدیریت برق میان تغییر نام‌ها و ثبات چالش‌ها

صفحه ۷

نفت روی مدار هوش

ادغام هوش مصنوعی در نفت و گاز، مرز رقابت جهانی را جابجا کرده و بقا را به فناوری گره زده است

صفحه ۸

آمادگی توانیر برای حمایت از اتصال نیروگاه‌های خورشیدی

صفحه ۷

طرح اختصاصی عصر اقتصاد

گزارش عصر اقتصاد از معیشتی که زمین‌گیر نوسان ارزی شد

ردپای دلار در فاکتور خرید مردم

صفحه ۲

سرمقاله

باتلاق اقتصادی؛ وقتی شاibعه از شاخص جلو می‌زند



علی محمد کردناج

روزنامه نگار و مدرس علوم ارتباطات

این روزها برای فهمیدن حال‌وهوای بازار، لازم نیست سراغ تابلوها رفت یا گزارش‌های رسمی را خطبه‌خط خواند. کافی است چند دقیقه‌ای در تلگرام و توئیتر ماند.

همین صفحه

یادداشت

جنگل‌ها؛ شُش‌های سبز زمین و نگهبانان خاموش آینده بشریت



علیرضا محمودی فرد

دکترای حرفه‌ای هوش مصنوعی، پژوهشگر و مدرس دانشگاه

اگر زمین را موجودی زنده تصور کنیم، بی‌گمان جنگل‌ها شُش‌های آن هستند. هر نفس کشیدن این سیاره خاکی، وابسته به وجود پهنه‌های سبزی است.

همین صفحه

یادداشت

اثر سفرهای



راضیه حسینی

روزنامه نگار

گودرزی: «مردم باید اثر سیاست‌گذاری‌ها را در سفره خود ببینند.» در حال حاضر ما بیشترین و واضح‌ترین اثر سیاست‌گذاری‌ها را روی سفره‌مان شاهد هستیم. باور نمی‌کنید؟ از خود سفره بپرسید، که با هر سیاست‌گذاری تازه، یک تا، به تاهای قبلیش اضافه می‌شود و از گذشته جمع و جورتر و کوچک‌تر پهن می‌شود. آن‌قدر بیچاره را تا کرده‌ایم که دیگر قد یک دستمال شده و ماهیت سفره بودن خود را از دست داده است.

همین صفحه

اثر سفرهای

راضیه حسینی- روزنامه نگار

گودرزی: «مردم باید اثر سیاست‌گذاری‌ها را در سفره خود ببینند.»

در حال حاضر ما بیشترین و واضح‌ترین اثر سیاست‌گذاری‌ها را روی سفره‌مان شاهد هستیم. باور نمی‌کنید؟ از خود سفره بپرسید، که با هر سیاست‌گذاری تازه، یک تا، به تاهای قبلیش اضافه می‌شود و از گذشته جمع و جورتر و کوچک‌تر پهن می‌شود. آن‌قدر بیچاره را تا کرده‌ایم که دیگر قد یک دستمال شده و ماهیت سفره بودن خود را از دست داده است.

شاید شما سفره‌تان هنوز به تا نرسیده است و برای همین دنبال نشان‌دادن اثرگذاری به ملت هستید. اگر سری به خانه‌های معمولی با آدم‌های زیر خط فقر بزنید متوجه هنرنمایی مسئولان با نام «اثر سفره‌ای» خواهید شد. نه تنها نفت روی سفره‌ها نیامد؛ بلکه برق و آب هم از خانه‌ها رفت و حالا مانده گاز که اگر آن هم کم و کسر بیاید، همه چیزمان به هم می‌آید و یک اثر هنری خاص خلق می‌شود. می‌دانیم که می‌خواهید وسط این‌همه اثر، یک ردپای مثبت و خوب به جا بگذارید و یک تا از سفره‌مان کم کنید، ولی باور کنید راضی به زحمت‌تان نیستیم. یعنی راستش را بخواهید می‌ترسیم عوض بزرگ کردن سفره، خانه‌ها را کوچک کنید تا سفره در آن بزرگ‌تر دیده شود و بعد اثر را ثبت کنید! بیاید با هم کنار بیاییم. شما به سیاست‌گذاری‌های معرکه‌تان بپردازید و کاری با اثرش روی سفره‌های ما نداشته باشید. دنبال آوردن نفت روی سفره‌ی ما هم نباشید. یک‌هو دیدید نفت نبود، آمدید جایش گاز بیاورید، زدید از سر مهرانی همه‌مان را خفه کردید! ما اصلاً دیگر سفره پهن نمی‌کنیم تا دغدغه‌ی شما در این مورد کلاً برطرف شود و بروید سراغ کارهای واجب‌تر.

البته یک‌وقت سوءتفاهم نشود. می‌دانیم که شما توانایی انجام هر کاری را دارید و اگر انجام نمی‌دهید، با گاهی، در موارد بسیار نادر، اشتباه می‌کنید؛ به دلیل مشغله‌ی زیاد و رسیدگی به انواع‌واقسام مسائل است. شوخی که نیست، از تعطیلی پنجشنبه‌ها تا فیلترینگ که از نان شب هم واجب‌تر است را باید بررسی کنید! ما می‌دانیم که می‌دانید ولی نمی‌توانید!

مقدمه

اگر زمین را موجودی زنده تصور کنیم، بی‌گمان جنگل‌ها شُش‌های آن هستند. هر نفس کشیدن این سیاره خاکی، وابسته به وجود پهنه‌های سبزی است که قرن‌هاست آرام و استوار، کارخانه‌های پیچیده حیات را مدیریت می‌کنند. این یادداشت، نه یک هشدار، که یک بیان علمی خلاقانه از نقش بی‌بدیل جنگل‌ها در شبکه حیات است. نگارنده، بر آن است تا با زبانی ساده، اما مستند، اهمیت این گنجینه‌های سبز را تبیین کند.

۱. جنگل به‌مثابه یک ابرسامانه هوشمند

جنگل، تنها مجموعه‌ای از درختان نیست؛ یک «ابرارگانیزم» زنده و خودتنظیم است. در قیاس با فناوری‌های بشری، جنگل‌ها پیشرفته‌ترین سیستم‌های تصفیه هوا، آب‌سازی، تولید غذا، تنظیم دما، ذخیره‌سازی کربن و حفظ تنوع زیستی را دارا هستند. هر هکتار جنگل بالغ، سالانه تا شش تن کربن‌دی‌اکسید جذب و معادل آن اکسیژن تولید می‌کند؛ اما نکته جالب‌تر، نقش جنگل در تولید «رایان‌های زیستی یا زیست‌محاسبات (Bio-computing)» است: شبکه زیرزمینی قارچ‌ها (میسلیوم) که به «اینترنت جنگل» شهرت دارد، امکان تبادل اطلاعات، مواد مغذی و هشدارهای خطر بین درختان را فراهم می‌سازد. این شبکه، الهام‌بخش فناوری‌های ارتباطی آینده است.

۲. خدمات اکوسیستمی: موهبت رایگان اما بی‌قیمت

جنگل‌ها به‌صورت روزانه خدماتی ارائه می‌دهند که اقتصاد جهانی هرگز توان پرداخت بهای آن را ندارد: تنظیم چرخه آب؛ ریشه‌های درختان مانند سدهای طبیعی، آب را در خاک نفوذ داده و از سیلاب جلوگیری می‌کنند. هر درخت یک سامانه آب‌شیرین‌کن طبیعی است. حفظ خاک؛ تاج‌پوشش جنگل، خاک را از فرسایش بادی و آبی محافظت می‌کند. خاک جنگل، غنی‌ترین بانک ژنتیکی میکروارگانیزم‌هاست.

تنوع زیستی: بیش از ۸۰٪ گونه‌های خشکس‌زی در جنگل‌ها زندگی می‌کنند. این تنوع، سرمایه‌ی تکامل و منشاء بسیاری از داروهای حیاتی است. مقابله با تغییرات اقلیمی: جنگل‌ها بزرگ‌ترین ذخیره‌گاه کربن زمین هستند. تخریب آن‌ها پس از سوخت‌های فسیلی، دومین عامل انتشار گازهای گلخانه‌ای است.

سخنگوی هیأت‌رئیس مجلس:

افزایش ۲۰ درصدی حقوق در بودجه اصلاح می‌شود

مورد اجماع سران قوا و بخش‌های مختلف نظام قرار گرفته و رئیس سازمان برنامه و بودجه و رئیس‌کل بانک مرکزی نیز گزارش‌هایی در این خصوص ارائه کردند. سخنگوی هیأت‌رئیس مجلس با تأکید بر شرایط ویژه اقتصادی کشور تصریح کرد: عواملی مانند میزان فروش نفت، بازگشت ارزهای صادراتی، رفع تعهدات ارزی و سایر متغیرهای کلان اقتصادی در شکل‌گیری وضعیت فعلی نقش داشته‌اند. آنچه برای مجلس و دولت اهمیت دارد این است که مردم اثر سیاست‌ها و بودجه‌ریزی‌ها را به‌صورت ملموس در زندگی روزمره خود احساس کنند. گودرزی با انتقاد از سازوکار فعلی تخصیص ارز ترجیحی گفت: معنا ندارد سالانه حدود ۱۰ میلیارد دلار ارز برای کالاهای اساسی اختصاص یابد اما مردم این کالاهای را با قیمت آزاد تهیه کنند. بر همین اساس، تأکید مشترک بر تغییر شیوه حمایت‌ها و انتقال آن به طبقه‌نمایی زنجیره یعنی مصرف‌کنندگان است.

وی کارلارگ الکترونیک را ابزار اصلی این سیاست دانست و افزود: برای سه‌ماهه پایانی سال جاری تدابیری پیش‌بینی شده که در سال‌های آینده نیز استمرار خواهد داشت تا مردم بدون تأثیرپذیری از نوسانات ارزی، از تأمین ۱۰ تا ۱۱ قلم کالای اساسی اطمینان داشته باشند. سخنگوی هیأت‌رئیس مجلس همچنین با اشاره به اصلاح ساختار بودجه‌نویسی گفت: در بودجه سالانه دیگر قانون‌نویسی نخواهیم داشت و بودجه صرفاً شامل جداول منابع و مصارف خواهد بود. احکام لازم‌الاجرا به‌صورت جمعی به دولت ابلاغ می‌شود. گودرزی در پایان تأکید کرد: دولت در لایحه بودجه سال آینده افزایش حقوق ۲۰ درصدی را پیش‌بینی کرده، اما مجلس قطعاً به این رقم بسنده نخواهد کرد و آن را اصلاح می‌کند؛ چراکه هر افزایشی درآمدی باید مستقیماً به معیشت مردم بازگردد.

این روزها برای فهمیدن حال‌وهوای بازار، لازم نیست سراغ تابلوها رفت یا گزارش‌های رسمی را خطبه‌خط خواند. کافی است چند دقیقه‌ای در تلگرام و توئیتر ماند. بازار پیش از آن‌که عدد ببیند، حال می‌گیرد؛ پیش از آن‌که تحلیل کند، می‌ترسد. انگار اقتصاد، بیش از هر زمان دیگری، شنونده روایت‌ها شده؛ روایت‌هایی که گاهی نویسنده مشخصی ندارند، اما پایانشان اغلب یکی است: تردید، مکث و تصمیم‌های شتاب‌زده.

اقتصاد ایران به وضعیتی رسیده که می‌شود آن را باتلاق نامید؛ نه از جنس فروپاشی، بلکه از جنس فرسایش. باتلاق جایی است که زمین سفت نیست، اما خالی هم نیست. ایستادن در آن سخت است و دویدن خطرناک. هر حرکت عجولانه، به‌جای نجات، فرو رفتن را بیشتر می‌کند. بازار امروز دقیقاً در همین نقطه ایستاده؛ نه سقوط کرده و نه آرام گرفته، فقط در حال تقلاست.

در چنین فضایی، شاید دیگر همان ناخونده بازار نیست؛ به یکی از ساکنان دائمی آن تبدیل شده است. شاید آرام نمی‌آید، در نمی‌زند و منتظر پاسخ نمی‌ماند. ناگهان پخش می‌شود، دست‌به‌دست می‌چرخد و پیش از آن‌که کسی بپرسد درست است یا نه، اثرش را می‌گذارد. گاهی قیمت می‌سازد، گاهی صف، و گاهی فقط اضطرابی جمع می‌...

مسئله این نیست که چرا شایعه وجود دارد؛ شایعه همیشه بوده. مسئله این است که چرا شنیده می‌شود و چرا جلوتر از شاخص حرکت می‌کند. پاسخ را باید در خلأ روایت جست‌وجو کرد. وقتی توضیح دیر می‌رسد، وقتی زبان رسمی پیچیده و دور از فهم عمومی است و وقتی فاصله میان واقعیت و روایت زیاد می‌شود، شایعه همان فاصله را

باتلاق اقتصادی؛ وقتی شاibعه از شاخص جلو می‌زند

علی محمد کردناج روزنامه نگار و مدرس علوم ارتباطات

پر می‌کند؛ البته نه با دقت، بلکه با هیجان. بازار، مثل جامعه، خسته است. سال‌ها زندگی در وضعیت تعلیق، صبر را به کالایی کمیاب تبدیل کرده است. در چنین شرایطی، تصمیم‌های بلندمدت جای خود را به واکنش‌های لحظه‌ای می‌دهند و هر خبر، حتی اگر ناقص یا نادرست باشد، می‌تواند رفتار جمعی را تغییر دهد.

این واکنش‌ها لزوماً از بی‌منطقی نمی‌آیند؛ بیشتر از فرسودگی می‌آیند. نقش رسانه در این میان، نقشی فراتر از انتقال خبر است. رسانه ناخواسته تنظیم‌کننده فضای روانی بازار هم هست. وقتی خبر بدون توضیح منتشر می‌شود، وقتی تحلیل جای خود را به پیش‌بینی‌های هیجانی می‌دهد و وقتی مرزی میان اطلاع‌رسانی و التهاب باقی نمی‌ماند، بازار هم آشفته می‌شود؛ نه از سر بدخواهی، بلکه از سر سردرگمی. در این فضا، شایعه به دارایی عجیبی تبدیل شده است؛ نه پشتوانه دارد و نه ارزش ذاتی، اما سریع می‌چرخد و اثر می‌گذارد. شبیه پولی بی‌پشتوانه که فقط تورم روانی تولید می‌کند. شاید فردا فراموش شود، اما رد پایش در تصمیم‌های امروز باقی می‌ماند.

باتلاق اقتصادی را نمی‌شود با تقلا ترک کرد. راه بیرون آمدن از آن، مکث است؛ توضیح به‌موقع است؛ روایت دقیق و مسئولانه است. بازاری که بداند کجاست، کمتر می‌ترسد و بازاری که بفهمد چه می‌شود، کمتر واکنش نشان می‌دهد. تا زمانی که شایعه سریع‌تر از توضیح حرکت می‌کند، نباید انتظار آرامش از شاخص‌ها داشت. اقتصاد فقط با عدد و سیاست زنده نمی‌ماند؛ با اعتماد هم زنده است و اعتماد، پیش از آن‌که ساخته شود، روایت می‌شود. اگر این روایت جدی گرفته نشود، باتلاق عمیق‌تر می‌شود؛ آرام، بی‌سروصدا و درست زیر پای همه ما...

یلدا و تورم

انتشار صورتیافته



کاریکاتور / طرح: علی قناعت